

سرکوب، گلوله و کشتار پاسخ رژیم به اعتراضات مردم بلوچستان

در حالیکه رژیم جنایتکار قتها خود را برای برگزاری سالگرد انقلاب و برپایی حکومت جمهوری اسلامی آماده می کرد، آتش خشم مردم عاصی و جان به لب رسیده میهن ما در گوشه و کنار کشور شعله ور گردیده و در اشکال مختلف اعتراض های توده ای تبلور یافت. بر اساس گزارش های گوناگونی که بدست ما رسیده است، در این روزهای افزون بر اعتراض مردم در تهران علیه گرانی و سیاست های سران رژیم، برخوردهای خونین شدیدی میان نیروهای انتظامی و مردم بلوچستان بوقوع پیوسته است. ابعاد این برخوردها آنچنان بود که روزنامه های مجاز جمهوری اسلامی نیز ناچار به درج گزارش این حوادث شدند. بر اساس گزارش روزنامه "همشهری" علت اساسی بروز "اغتصابات" ادامه در ص ۷

بمباران دهکده های مرزی ایران توسط ترکیه را شدیداً محکوم می کنیم!

● ... در ماه های اخیر این چندمین عملیات بزرگ نظامی است که علیه خلق گرد سازماندهی می شود. یورش نیروهای نظامی ایران و بمباران دهکده های گردنشین ایران و عراق و اکنون بمباران هوایی این مناطق از سوی دولت ترکیه بخشی از برنامه اهریمنی ای است که هدفش نابودی فیزیکی نیروهای مترقی و آزادیخواه در گردستان می باشد

ص ۲

نامه مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۲۱، دوره هشتم
سال دهم، ۲۶ بهمن ۱۳۷۲

حزب توده ایران به پیکار خود در راه آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی ادامه می دهد

(به مناسبت یازدهمین سالگرد یورش جمهوری اسلامی به حزب توده ایران)

رژیم جمهوری اسلامی به پیروی از سلف شامشاهی خود، حزب توده ایران را برای سومین بار «غیرقانونی» اعلام کرد. هدف به قول موسوی اردبیلی کندن "ریشه چهل، پنجاه ساله این حزب" از ایران بود. آخرین دستگاه های جهمی شکنجه برای درهم شکستن اعضای رهبری حزب و ادار کردن آنان به "اعتراف" به "جاسوسی" در نبود حتی یک برگ سند معتبر به کار گرفته شد و انسان های شریف، مبارز و دانشمندی که عمر خود را وقف مبارزه در راه بهروزی زحمتکشان کشورمان کرده بودند، با اندام های ادامه در ص ۲

یازده سال پیش در سحرگاه ۱۷ بهمن ۱۳۶۱، مزدوران مسلح جمهوری اسلامی با هدف تحقق بخشیدن به یکی از دیرینه ترین آرزوهای امپریالیسم و ارتجاع در کشور ما، یعنی نابودی فیزیکی و مننوی حزب توده ایران، به حزب توده ها، حزب مبارزان ضد استعمار، حزب قهرمانان گمنام و فاتحان شکنجه گاهای استبداد یورش بردند و هزاران توده ای را در گوشه و کنار کشورمان به بند کشیدند. زمینه این یورش جنایتکارانه، از ماه ها قبل، با همکاری ارگان های اطلاعاتی آمریکا، انگلیس و پاکستان تدارک دیده شده بود. از چندین ماه قبل از این یورش مقام های دولت انگلستان اعلام کرده بودند که با پناهنده شدن کاردار سفارت شوروی در تهران به انگلیس، اطلاعات ذیقیمتی بدست آنها رسیده است. پخش این اخبار در گسترده ترین شکل ممکن توسط رسانه های گروهی جهان، تنها به منظور آماده سازی افکار عمومی جهان و داخلی و در واقع موجه جلوه دادن یورش جنایتکارانه رژیم علیه حزب ما زیر لوای "دستگیری جاسوسان شوروی" در ایران سازماندهی شده بود. بلندگوهای ارتجاع، از رادیوی اویسی، تا بنگاه های خبرپراکنی انگلیس و آمریکا، همگی به دولت جمهوری اسلامی برای این «پیروزی بزرگ» تبریک گفتند و مقام های جمهوری اسلامی، از جمله نخست وزیر وقت، موسوی و رئیس قوه قضائیه، موسوی اردبیلی این پیروزی را مهتر از پیروزی در جبهه های جنگ ارزیابی کردند. مهدوی کنی در نماز جمعه تهران نیروهای مذهبی را به اتخاذ موضع واحد و حمایت بی چون چرا از این عملیات فرا خواند و خمینی از "سربازان گمنام امام زمان" برای دستیابی به این پیروزی تشکر کرد.

جمهوری اسلامی پانزده سال پس از انقلاب

کارنامه سیاه خیانت و جنایت ص ۳

حزب کمونیست فرانسه وفادار به

ایده آل های کمونیستی ص ۸

استان خراسان به تنهایی با کمبود ۹۰ هزار واحد

مسکونی روبرو است! ص ۷

زنده باد آزادی، صلح و عدالت اجتماعی، طرد باد رژیم «ولایت فقیه»!

حزب توده ایران به ...

درم شکسته، و نیمه فلج، پس از ساعت ها سانسور و موتاژ فیلمهای تهیه شده بر روی صحنه تلویزیون رژیم به نمایش گذاشته شدند تا شاید اعتبار معنوی حزب توده ایران، خصوصاً در میان کارگران و زحمتکشان کشورمان خدشه دار گردد. رژیم در کنار این کارزار ضد انسانی، کارزار وسیعی از بخش اکاذیب و شایعات در درون و بیرون سیاهچال ها برای درم شکستن حزب ما سازماندهی کرد. ترفند های گوناگونی چون انتشار اعلامیه، اطلاعیه و ... با هدف ایجاد پراکندگی هر چه بیشتر، دامن زدن به جو سوطن و بدبینی و شکار آن دسته از توده ای هایی که به دام رژیم نیفتاده بودند به کار گرفته شد.

یورش رژیم جمهوری اسلامی در بهمن ماه ۶۱، یکی از سنگین ترین یورش های ارتجاع و امپریالیسم به حزب ما و هر صدمه ترین آنها بود. بخش عمده رهبری حزب و گروه بزرگی از کادراهای برجسته حزب در این یورش بدم دژخیمان افتادند و سازمان های حزبی در درون کشور متحمل ضربات سختی گردیدند. طی این سال های دشوار بازسازی حزب، همواره یکی از مهمترین سئوال هایی که دائماً برای رفقا، هواداران و دوستان حزب مطرح بوده است، این است که آیا رهبری حزب می توانست از این فاجعه جلوگیری کند؟ واقعیت این است که رهبری حزب از مدتها قبل این برداشت را داشت که "بخشی از حاکمیت" خود را برای یورش به حزب آماده می کند. ولی تصورات اشتباه از صف بندی های درون حاکمیت و ماهیت نیروها و جناح های گوناگون حاکمیت، و این دید که تنها گروه "حجتیه" است که خواهان سرکوب حزب است (نگاه کنید به نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب به مقابله: مسئول جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۲/۲۸) در کنار کارزار وسیع فریب و دروغ

سردمداران رژیم، رهبری حزب را در شرایط بسیار دشوار و بغرنجی قرار داد. رهبری حزب از مدتها قبل آگاهانه تصمیم گرفته بود که در صورت وخیم تر شدن اوضاع به هر قیمتی در درون کشور باقی بماند و دوباره به يك مهاجرت طولانی تن ندهد. این تصمیم عملاً سبب شد که رژیم بتواند با دستگیری بخش عمده رهبری حزب در نخستین یورش خود، ضربات و لطامات سنگینی به سازمانهای حزب وارد نماید.

با وجود همه این تمهیدات شیطانی و ضربات سهمگین وارده بر حزب ما، رژیم خیلی زود دریافت که نقشه نابودی حزب با شکست روبرو شده است و تلاش در راه بازسازی حزب و ارگان های مرکزی آن از همان فردای یورش آغاز گردید. علی رغم تلاش های مختلف ارگان های امنیتی رژیم برای منفرج کردن حزب از درون، علی رغم ابعاد گسترده شکست و ریزش هایی که در پی چنین شکست هایی طبیعی است، علی رغم شکست های سنگین جنبش جهانی کمونیستی در پی فروپاشی اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی و علی رغم خیانت و لطاماتی که افراد فرصت طلب به این روند زدند، روند بازسازی با فراز و نشیب فراوان با موفقیت به پیش برده شد. کم نبودند فرصت طلبان و کسانیکه با ترک صفوف حزب تلاش کردند تا با به لجن کشیدن رهبری حزب و سازمان های حزبی در کارزار بی اعتبار کردن حزب توده ایران شرکت کنند و از این طریق برای خود ارزش و اعتباری کسب نمایند. سرنوشت رقت بار این افراد و سقوط آنها تا حد تکرار اتهامات سیا، ساواک و ساوامای جمهوری اسلامی بهترین دلیل بر قلب بودن ادعاهای کسانانی است که زیر شمارهای پرطمطراق «نواندیشی»، «نوسازی»، «بازسازی»، «دموکراتیزه کردن» و ... خود را پنهان کرده بودند و هدفی جز مقاصد شخصی خویش را دنبال نمی کردند. سرنوشت تمامی کسانیکه می خواستند حزب توده ایران را "تشکیل" دهند به قول رفیق شهید مهرگان سرنوشت

هیچ منافاتی با توانین بین المللی و حقوق بشر ندارد.

در ماه های اخیر در پی رشد بیش از پیش مبارزات خلق کرد و نگرانی شدید رژیم از تاثیر آن در سایر نقاط کشور، تلاش زیادی از سوی مقام های امنیتی رژیم برای سرکوب نیروهای مترقی خلق کرد، خصوصاً حزب دمکرات کردستان ایران سازماندهی شده است. سفر اخیر بشارتی، وزیر کشور، به این مناطق و اعلام این موضوع که مهمترین هدف جمهوری اسلامی در کردستان "امن کردن" این مناطق در ظرف شش ماه آینده است، ابعاد نگرانی و وسعت برنامه های شومی را که رژیم برای کردستان ایران تدارک دیده است، نشان می دهد.

ما از مدتی قبل پیرامون نقشه های خطرناک نیروهای ارتجاعی حاکم در ایران و ترکیه برای درم کوبیدن مبارزات حق طلبانه خلق کرد، هشدار داده بودیم. نکته ای که در این میان حائز اهمیت است، سکوت کامل دولت های غربی در مقابل این تجاوزات و سرکوب های خونین است. فشار بر دولت خود مختار کرد در کردستان عراق، و همکاری امنیتی - نظامی ایران، ترکیه، عراق و پاکستان برای درم کوبیدن نیروهای مترقی در این نواحی بخشی از استراتژی جدید امپریالیسم و ارتجاع برای «حل همیشگی» مسئله خلق کرد است.

مباران دهکده های ...

در پی دیدار مقام های امنیتی ترکیه از ایران و توافق های سه جانبه ایران، ترکیه و پاکستان مبنی بر تشدید کارزار سرکوب علیه نیروهای مخالف، خصوصاً نیروهای مبارز کرد، بیش از ۵۰ هواپیمای بمب افکن دولت ترکیه به دهکده های کرد نشین در منطقه زحله عراق و برخی دهکده های مرزی ایران در استان آذربایجان غربی یورش بردند. در پی این تجاوز هوایی و بر اساس گزارش روزنامه های مجاز جمهوری اسلامی ۹ نفر از هموطنانمان کشته و ۱۹ نفر زخمی شدند.

دولت جمهوری اسلامی در پی این حادثه اعلام کرد، که يك هیئت بلندپایه از ترکیه برای رسیدگی به این موضوع به تهران خواهد آمد. حسن روحانی، نایب رئیس مجلس شورای اسلامی و دبیر شورای امنیت ملی نیز در مصاحبه ای با روزنامه اطلاعات اعلام کرد، که دولت ایران خواهان تقویت روابط خود با ترکیه است. وی در همین مصاحبه گفت: جمهوری اسلامی در منهدم کردن نقاط تمرکز و فعالیت های گروه های ضد انقلاب در خارج تردیدی به خود راه نخواهد داد و نابودی این پایگاه ها

همه آن کسانی است که با بلیط تقلبی سوار بر کوبه ای شدند که مسافران آن رزمندگان راه طبقه کارگردند».

واقعیت انکار ناشدنی بیش از پنج دهه مبارزه خونین و اسطوره ای حزب توده ها و ریشه های عمیق آن در میان کارگران و زحمتکشان کشورمان نیرومندتر از آن است که تیشه و تبر ارتجاع بتواند آن را از میهن ما ببرد. حزب توده ایران از يك ضرورت تاریخی جامعه ما زاده شده است و تا تحقق این ضرورت تاریخی به رزم و حیات خود ادامه خواهد داد. یازده سال پس از یورش خونین جمهوری اسلامی، آنچه که باقی ماندنی است و در جامعه ما هرچه بیشتر حقانیت خود را به اثبات می رساند، حزب توده ایران و مبارزه ای است که حزب ما برای استقرار دموکراسی، آزادی و عدالت اجتماعی به پیش می برد و آنچه که رقتی و نابود شدنی است، رژیم استبدادی جمهوری اسلامی است. حزب توده ایران قنوس وار از خاکستر سنگین شکست سر بلند کرده و با برگزاری موفقیت آمیز سومین کنگره خود، در بهمن ماه ۱۳۷۰، و بازسازی ارگان های سازمان خود، همچنان پرچم رزم زحمتکشان میهن مان را در اهتزاز نگاه داشته است. مبارزه پرشور توده ای ها در همه این سالها، از رزم حماسی و خونین صدها مبارز توده ای در شکنجه گاه ها، میادین اعدام های دسته جمعی، تا مبارزه قهرمانانه توده ای ها در درون کشور برای حفظ و زنده نگاه داشتن حزب توده ایران و فعالیت شبانه روزی اعضا و هواداران حزب در خارج از میهن، گواه زنده بودن حزب ما و نقش و اهمیت آن در تاریخ مبارزات آزادیخواهانه کشور ماست.

حزب توده ایران ضمن محکوم کردن حمله تجاوزکارانه هواپیماهای ترکیه به خاک ایران و کشتار اهالی بیگناه دهکده های مرزی کشورمان، از مقامات بین المللی خصوصاً سازمان ملل متحد می خواهد تا فوراً خواهان متوقف شدن عملیات نظامی دولت های ترکیه و ایران در این نواحی گردد. در ماه های اخیر این چندمین عملیات بزرگ نظامی است که علیه خلق کرد سازماندهی می شود. یورش نیروهای نظامی ایران و بمباران دهکده های گردنشین ایران و عراق و اکنون بمباران هوایی این مناطق از سوی دولت ترکیه بخشی از برنامه اهریمنی ای است که هدفش نابودی فیزیکی نیروهای مترقی و آزادیخواه در کردستان می باشد. تنها با ایجاد فشار بین المللی و بسیج افکار عمومی جهان است که می توان از چنین جنایاتی جلوگیری کرد. ما ضمن ابراز همبستگی با مردم این نواحی و خانواده هایی که در این یورش ها عزیزان خود را از دست داده اند، نیروهای سیاسی کشور مان را به سازماندهی يك کارزار وسیع در همبستگی و بسیج افکار عمومی جهان علیه این جنایات فرا می خوانیم. سکوت امروز، به هر بهانه ای تنها به معنی تأیید سیاست های ضد انسانی و سرکوبگرانه رژیم های ارتجاعی ایران، ترکیه و عراق است.

پانزده سال از پیروزی یکی از بزرگترین و خلقی ترین انقلابات در منطقه ما می گذرد. پیروزی انقلاب بهمن ۱۳۵۷، یکی از بزرگترین تحولات جهان در دهه های اخیر و زمینه ساز تحولات چشمگیری در منطقه خاورمیانه بود. با سقوط حکومت ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی در ایران، امپریالیسم یکی از مهمترین پایگاه های نظامی و سیاسی خود را در منطقه حساس و استراتژیک خلیج فارس از دست داد، و مردم ما خود را از بندهای ۲۵ ساله اختناق پلیسی شاه - ساواک رها کردند. زندان هایی که رژیم شاه برای به زنجیر کشیدن، شکنجه و اعدام میهن دوستان برپا نموده بود، به معیادگاه پرشور خلق و زندانیان سیاسی رها شده از غل و زنجیر استبداد بدل گردید و امید برهایی ایرانی آزاد، آباد و مستقل که در آن شهروندان میهن ما بر سرنوشت خویش حاکم باشند، میلیون ها انسان ستم کشیده را از طبقات و اقشار مختلف اجتماعی به حرکت در آورد و صحنه های فراموش ناشدنی از همبستگی، یگانگی و مبارزه متحد را در گوشه و کنار کشورمان آفرید. برای توده ای ها، چه آن مبارزان قهرمانی که دهه ها را در شکنجه گاه های ستم شاهی گذرانده بودند، چه آنان که در آن شرایط دشوار ترور و اختناق به روشنگری و سازماندهی مبارزه در درون کشور مشغول بودند و چه آنان که در مهاجرت اجباری بسر می بردند، پیروزی انقلاب، آغاز تحقق آرزوهای دیرینه ای بود که از فردای سرکوب خونین جنبش ملی شدن صنعت نفت و پیروزی کودتای ننگین ۲۸ مرداد، در راه آن مبارزه کرده بودند.

انقلاب بهمن در شرایط ورشکستگی اقتصادی حکومت، بیعدالتی، و ظلم و ستم شدید اجتماعی در میهن ما به وقوع پیوست. حزب توده ایران تنها نیروی سیاسی کشور بود که این شرایط را با دقت و واقع بینی علمی ارزیابی کرده بود و از چند سال پیش از تحقق انقلاب، نیروهای سیاسی کشور را به آماده شدن برای آن فرا خواند. حزب ما در سال ۱۳۵۴ با ارزیابی شرایط مشخص جامعه به این نتیجه صحیح رسید که: "از تحلیل طبقات و موضع آنها در جامعه ایران و مشکلات زندگی مردم این نتیجه حاصل می شود که در میان توده های مردم نسبت به وضع موجود در عرصه های مختلف عدم رضایت جدی وجود دارد و علی رغم محیط اختناق این عدم رضایت به انحاء مختلف بروز می کند. این حقیقت دعوی هیئت حاکمه را دایر بر آنکه گویا از طریق "انقلاب سفید" به نیازمندی های تکامل جامعه ایران در این مرحله تاریخی پاسخ ضرور را داده است و می تواند با "انقلاب مستمر" ایران را طی مدتی کوتاه به جانب "تمدن بزرگ" سوق دهد تکذیب می کند. جامعه ایران به یک تحول بنیادی، به انقلابی که عرصه های مختلف زندگی را در برگیرد و آن را در جهت منافع خلق دگرگون کند

نیازمند است..." (از اسناد پانزدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران، تیرماه ۱۳۵۴). این بررسی علمی حزب ما از شرایط آن روز جامعه، خیلی زود درستی خود را به اثبات رساند. حزب ما از همان آغاز همواره بر این نکته تکیه داشت که اشتراک عمل همه نیروهای آزادیخواه تنها کلید موفقیت و ضامن اجرایی تحقق یافتن

آرزوهای توده های وسیع مردم است. کم توجهی بخش عمده ای از نیروهای سیاسی کشور به این ضرورت تاریخی از عمده ترین ضعف های انقلاب بهمن و زمینه ساز شکست آن در مراحل بعدی بود. خمینی و نیروهای مذهبی شرکت کننده در انقلاب، با تکیه بر ریشه عمیق مذهب در جامعه ما، و با توجه به این نکته که بخش عمده دیگر نیروهای مخالف رژیم شاه بشدت سرکوب شده بودند، و با استفاده از پراکندگی نیروهای مترقی و آزادیخواه خیلی زود توانستند، سکان رهبری انقلاب را انحصاراً بدست بگیرند. مساجد و تکایا، که در دوران حکومت ساواک، به مثابه "سنگری در مقابل" کمونیسم و اندیشه های چپ، مراکز "آزاد" فعالیت و سازماندهی نیروهای مذهبی بود، این امکان را برای این نیروها ایجاد کرد، که از همان نخستین روزهای انقلاب، مهر و نشان خود را بر این جنبش عظیم خلقی بزنند، و شعارها، آمل، و آرزوهای توده های عظیم مردم را برای دستیابی به "آزادی، استقلال، و عدالت اجتماعی" با هدف برپایی "حکومت اسلامی" تعویض کنند. اتفاقی نیست که امروز حاکمیت جمهوری اسلامی در دست آن نیروهایی است که با کمک های مالی و معنوی ساواک، "انجمن حجتیه" را برای مبارزه با "کمونیسم" ایجاد کردند.

امروز با گذشت پانزده سال از پیروزی انقلاب، نه تنها هیچ یک از آرزوها، امیدها و شعارهای انقلاب تحقق نیافته است، بلکه به زبان گویای آمار و حقایق تلخی که میلیون ها انسان با آن دست بگیربان هستند، شرایط اجتماعی و اقتصادی کشور ما در بسیاری از عرصه ها حتی بدتر از شرایط پیش از پیروزی انقلاب گردیده است. حکام جدید که قول آزادی و آباد کردن مملکت را به توده ها می دادند، از نخستین نیروهایی بودند که با اعزام چاقوکشان و چماق داران بنام "حزب الله" به خیابان ها، آزادی را ترور کردند، و بجای آباد کردن ایران، چنان مملکت ما را عرصه غارت و یکه تازی خود و اطرافیانشان بدل نمودند که در تاریخ معاصر

ایران کم نظیر است. تحمیل تفکرات بیمارگونه و واپسگرا به جامعه و تلاش در بازگرداندن چرخ تاریخ به هزار و چهارصد سال پیش، در شرایطی که انقلاب عظیم علمی چهره جهان را دگرگون کرده است، فاجعه عظیمی است که بدست نیروهای مذهبی طرفدار خمینی در جامعه ما سازماندهی گردید و امروز مانند کابوس هولناکی

جمهوری اسلامی پانزده سال پس از انقلاب کارنامه سیاه خیانت و جنایت

مردم ما را در تمامی عرصه های زندگی رنج و آزار می دهد. تحمیل جنگ پس از پیروزی خرمشهر و کشتار صدها هزار تن از نسل جوان کشور، در شرایطی که امکان صلح بود، نابودی تولید داخلی، تشدید فقر و محرومیت، فساد بی سابقه دستگاه اداری، بیعدالتی و ظلم و بالاخره سرکوب خونین هرگونه صدای مخالفی با دستگیری، شکنجه و اعدام ده ها هزار آزادیخواه و کسانی که از پیشتازان انقلاب بهمن و جنبش آزادیخواهانه کشور ما بودند، از جمله دستاوردهایی است که هیئت حاکمه کنونی می تواند به آنها بیبالد. برای آنکه ادعای بی پشتوانه ای نکرده باشیم، کافی است خلاصه وار به برخی از آمارهای رسمی جمهوری اسلامی پیرامون اوضاع اقتصادی - اجتماعی کشور اشاره کنیم. هم اکنون بر اساس آمارهای رسمی نزدیک به چهار میلیون از شهروندان کشور بیکار هستند و این در شرایطی است که سازمان ها و نهادهای تامین اجتماعی بخش عمده ای از آنان را زیر پوشش خود قرار نمی دهند. بر اساس آخرین برآوردهای کارشناسان اقتصادی رژیم نرخ تورم سالیانه کشور که قرار بود در برنامه پنجساله اول از ۲۸/۵٪ به ۸/۸٪ نزول یابد، تنها در شش ماهه سال جاری به ۷۰٪ رسیده است و در صورتیکه با همین شتاب ادامه یابد تا سال دیگر به ۱۸۰٪ خواهد رسید. وجود چنین تورم وحشتناکی در جامعه، در حالیکه درآمد اکثریت قاطع مردم کمتر از این میزان رشد داشته است تنها به مفهوم تنزل درآمد اکثریت مردم کشور ما در سال های اخیر است. بدین ترتیب است که بر اساس آمار مرکز آمار کشور، در حالیکه ۳٪ از مردم از رفاه برخوردار هستند، بیش از ۴۵٪ از مردم کشورمان حتی از تامین یک زندگی حداقل برای خود عاجز مانده اند و در شرایط بسیار دشوار و طاقت فرسایی زیر خط فقر زندگی می کنند. در کنار این فشارهای طاقت فرسای اقتصادی، فشارهای اجتماعی بی سابقه ای، از ادامه در ص ۷

آیت الله منتظری مرجع تقلید مردم نجف آباد

حسن مختاری، نماینده نجف آباد طی نطقی در مجلس شورای اسلامی ضمن نامبردن از آیت الله منتظری به عنوان «مرجع عالیقدر تشیع» با اشاره به «علاقه شدید» اهالی این شهر گفت: «عزیزان نجف آبادی گله مندند از روزنامه نگاران... و کسانی... که به خود اجازه (داده) و مقلدین ایشان و یا شخص ایشان و یا شاگردان ایشان را زیر سوال (می برند) و هرگونه توهین ناروایی به ایشان نسبت (می دهند)... من از بزرگان می خواهم جلوی این کار را بگیرند... و قلب مردم را جریحه دار نکنند».

در دوران حکومت جمهوری اسلامی دستمزد کارگران نصف شده است

محمد سلامتی، مشاور وزیر کار و دبیرکل شورایی آموزشی فن و حرفه ای کشور، در مصاحبه ای با روزنامه «کار و کارگر» اعلام کرد که برپایه اطلاعات و آمار، شاخص حداقل دستمزد کارگران در سال ۱۳۷۱ از نظر اسمی نسبت به سال ۱۳۵۸ به عنوان سال پایه، ۳۹۹ به ۱۰۰ بوده است. وی در ادامه گفت: «اگرچه مزد بتدریج افزایش یافته اما متناسب با تورم نبود و به همین علت در سال ۷۱، از نظر واقعی نسبت به سال ۵۸، به ۴۲/۵ (یعنی کمتر از نصف) کاهش یافته است».

رفسنجانی به چه کسی دروغ می گوید؟

«... این ۹ میلیارد و خورده ای دلار که بدهی موقه امسال هست... جای هیچ نگرانی نیست ما به راحتی می توانیم این ها را پرداخت کنیم...» (از سخنان رفسنجانی در جلسه مشترک هیئت دولت و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۴ بهمن ماه)

«... می بایست در سال جاری ۱۹/۵ میلیارد دلار از بدهی های خارجی را پرداخت می کردیم... شش میلیارد دلار را پرداخت کردیم... سررسید ۳ میلیارد دلار نیز تمدید شد... مجموع بدهی های خارجی موقه تا پایان سال جاری به ۱۰ میلیارد دلار خواهد رسید... در سال آینده زمان بازپرداخت ۶ میلیارد دلار دیگر هم فرا خواهد رسید».

«... احتمال نمی رود ۱۲/۴ میلیارد دلاری که در لایحه بودجه سال آینده برای درآمدهای نفتی پیش بینی شده تحقق یابد... رقم ۹/۳ میلیارد دلاری که کمیسیون امور اقتصادی و دارایی مجلس به عنوان درآمد نفتی در نظر گرفته واقع بینانه تر است...» (از سرمقاله رسالت نوشته مرتضی نبوی، ۲۸ دیماه)

«... من مطمئنم وضع زندگی مردم نسبت



به چهار سال پیش به مراتب بهتر شده است. مجموعاً چه در روستا و چه در شهر... ما مشکل گرانی نداریم، مشکل ارزانی داریم...»

(رفسنجانی همانجا)
«... قشرهای گسترده مردم در ناراحتی بسر می برند... اگر دولت موفق نشود برنامه هایش را اجرا کند، این شکست به معنای شکست اسلام خواهد بود» (از سخنان مشکینی رئیس مجلس خبرگان رژیم در نماز جمعه قم)

«... پیشنهاد مجلس درباره بودجه که در جلسات غیرعلنی به آن رسیده این است که ما یک پول محدود نفت داریم که در مقابل آن تعداد زیادی طرح های نیمه کاره در کشور وجود دارد. البته یک سری ضروریات دیگری هم مثل تامین دارو داریم. لذا باید این سفره پهن شده را جمع کرده و مقداری از طرح ها را از دستور کار حذف نماییم. این را بستن کمربندها می گویند که طبیعی است مشکلات زیادی از قبیل بیکاری و گرانی دارد» (ناطق نوری در یک سخنرانی در مسجد دانشگاه تهران)

عادلی: ایران یک شاهی هم... بدشکار نیست

محمد حسین عادلی، رئیس کل بانک مرکزی ایران در مصاحبه ای با روزنامه انگلیسی زبان «تهران تایمز» از جمله گفت: «ایران یک شاهی هم به هیچ کشور یا شرکتی بدشکار نیست، بلکه این شرکت های خصوصی و بانک های تجاری ایران می باشند که بدهی خارجی دارند».

ظاهراً آقای عادلی به عنوان یک «اقتصاددان برجسته» رژیم و از طراحان سیاست «تعمیل اقتصادی» آقای رفسنجانی اطلاع ندارد که «تجار محترم بازار» براساس اسناد اعتباری بانک مرکزی و سایر بانک های ایران و در قبال پرداخت مبلغ ریالی کالاهای وارداتی به بانک ها اقدام به واردکردن اینگونه کالاها به کشور کرده اند، و این بانک ها که تماماً در ایران دولتی اند، و در درجه اول بانک مرکزی ایران است که با طلبکاران خارجی طرف حساب می باشد.

حدود یک هفته پس از مصاحبه عادلی، حسن

روحانی، نایب رئیس مجلس در دیداری با سفیر ژاپن در تهران ضمن تکرار ادعای فوق خواهان شرکت فعال ژاپن در «برنامه دوم بازسازی» شد که سفیر ژاپن اظهار امیدواری نمود «باجل مضل بدهی های موقه، ژاپن در برنامه دوم بازسازی نیز بتواند حضور فعال تری داشته باشد».

دفتر دادستانی پاریس: جمهوری اسلامی سازمانده قتل دکتر شاپور بختیار بود

دفتر دادستانی پاریس، روز دو شنبه ۴ بهمن ماه اعلام کرد که به تحقیقات خود پیرامون پرونده قتل شاپور بختیار پایان داده و گزارش نهایی خود را برای بازپرس ویژه تحقیق ارسال داشته است. دفتر مذکور در گزارش خود نتیجه گیری کرده که ارکان های اطلاعاتی ج. ا. سازمانده قتل شاپور بختیار بوده اند. دفتر دادستانی پاریس در گزارش خود توصیه کرده است که سه نفر از متهمین که هم اکنون در فرانسه زندانی هستند در دادگاه محاکمه شوند و به پرونده شش متهم دیگر به صورت غیابی رسیدگی شود.

انفجار اجتماعی در پیش است

خبرنگار ماهنامه «میدل ایست» در تهران طی مقاله ای در این نشریه در رابطه با اوضاع اقتصادی - اجتماعی ایران نوشت: «برای علی اکبرهاشمی رفسنجانی ... سال ۱۹۹۴ در رابطه با برنامه های اصلاحی دولت، سال سرنوشت سازی خواهد بود ... نگرانی اصلی وی پرداخت بهره وام های خارجی است ... در صورت عدم توفیق ایران در تمدید مهلت بازپرداخت این وام ها کشور به سوی یک بحران کامل استقراسی سوق داده خواهد شد... دولت به منظور مقابله با مشکلات مالی، در سال جاری واردات کشور را به نصف تقلیل داده است. بدتر از آن ناگزیر شده که بهای کالاهای اساسی مورد نیاز مانند نان را افزایش دهد. شایعات گسترده ای وجود دارد که بهای مواد سوختی... نیز افزایش خواهد یافت... در چنین اوضاع و احوالی رفسنجانی از آن بیم دارد که شورش های عمومی... سال گذشته... تکرار شود...»

همچنین سالنامه «تراز نامه اقتصادی - اجتماعی» که ژانویه هر سال از سوی روزنامه فرانسوی «لوموند» انتشار می یابد طی مقاله ای ضمن «فاجعه آمیز» خواندن اوضاع اقتصادی ایران و تشریح آن نتیجه گیری کرده که «سیاست های... دولت هاشمی رفسنجانی برای مقابله با بدهی خارجی موجب افزایش تورم و نیز گسترش دشواری های صنایع... شده است». سالنامه مذکور در خاتمه پیش بینی کرده است که «هاشمی رفسنجانی به دشواری خواهد توانست جلوی انفجار اجتماعی را بگیرد».

یمن

در پی مشاجرات سیاسی و بالا گرفتن اختلافات بین دو حزب اصلی کشور، بحران عمیقی یمن را فراگرفته است که می تواند وحدت نواحی کشور را به مخاطره بیندازد. سیاست های هژمونیستی حزب کنکره عمومی خلق به رهبری علی عبدالله صالح، رئیس جمهور یمن، در محدود کردن پایه های نفوذ حزب سوسیالیست یمن که قبل از وحدت، رهبری دولت را در یمن دموکراتیک عهده دار بود، اختلافات را حاد نموده است. در روز سه شنبه ۱۲ بهمن حزب سوسیالیست یمن نیروهایش را به منظور دفاع از یک میدان نفتی که در محدوده مرزهای سابق دو یمن قرار دارد به آن جا منتقل نمود. همچنین وسایل نقلیه زرهی سنگین که از سوی توپخانه و خمپاره اندازها حمایت می شوند به شهر آتاق، مرکز ایالت نفت خیز بشوا، در ۱۶۰ کیلومتری شمال شرقی عدن فرستاده شدند. در همین حال اعلام شده است که توافقنامه ای بین حزب سوسیالیست یمن و حزب کنکره عمومی خلق تهیه شده است ولی هنوز به امضا طرفین نرسیده است. علی سالم البیض، رهبر حزب سوسیالیست یمن و رئیس جمهور یمن جنوبی قبل از وحدت، اکنون چندین ماه است که با رها کردن مقام معاون ریاست جمهوری، به عدن رفته است و از شرکت در هر گونه جلسه دولتی خودداری می کند. رهبران حزب سوسیالیست یمن به شدت از سیاست های اقتصادی - اجتماعی راست روانه دولت عبدالله صالح ناراضی هستند. در ماه های اخیر صدها نفر از طرفداران حزب سوسیالیست توسط نیروهای راست به قتل رسیده اند ولی دولت پریزدنت صالح از انجام هرگونه تحقیقی در مورد مسببین این کشتارها خودداری کرده است.

مکزیک

بیش از یک ماه و نیم پس از قیام دهقانان بومی ایالت چیپاس مکزیک، هنوز پیامدهای سیاسی آن ادامه دارد. علی رغم لشکرکشی وسیع برای سرکوب دهقانان و رهبری سیاسی آنان، ارتش آزادیبخش ملی زاپاتیستا، اقدامات هفته های اخیر دولت مرکزی نشان از عدم موفقیت سیاست سرکوب و نیروگیری سیاست تفاهم دارد. زاپاتیستا که تخمیناً ۲۰۰۰ چریک مسلح در کنترل دارد، خواستار اصلاحات ارضی و حقوقی در ایالت چیپاس و رفرم های دموکراتیک، منجمله قوانین انتخاباتی عادلانه، در کشور شده است.

عقب نشینی های دولت مکزیک و تغییرات حاصله در سیاست های آن به علت وسعت و آمادگی تشکیلاتی جنبش دهقانی - بومی و حمایت نیروهای چپ از خواست های آن ها بوده است. از جمله این تغییرات، تغییر در کابینه و انتخاب جورجی کارپینرو به وزارت کشور را می توان نام برد. کارپینرو از مدت ها قبل از قیام اخیر دهقانان از منتقدان سیاست دولت در قبال جمعیت بومی ایالت چیپاس بوده است. وزارت کشور در ۸ بهمن اعلام کرد: «مهمترین مسئله برای کشور اعاده یک صلح عادلانه و پایدار است و در این جهت ضروری است که دموکراسی از طریق یک انتخابات ریاست جمهوری که برای شهروندان و نیروهای سیاسی مکزیک قابل قبول باشد، توسعه



یابد». تعهد به انجام یک انتخابات سالم و عادلانه از سوی دولت یکی از خواسته های اصلی ارتش آزادیبخش ملی زاپاتیستا را که خواستار حقوق حقه مردم بومی و قدرت دادن به مردم از طریق انتخابات عادلانه شده بود، برآورده می کند. رئیس جمهور مکزیک در سخنرانی خود برای اعضای کابینه و استانداران کشور اعتراف کرد که بر دهقانان بومی ظلم شده است و حقوق آنان مورد تعدی قرار گرفته است.

علی رغم مقاومت شدید محافل راست گرا، دولت مکزیک قبول کرده است که اسقف ساموئل روئیز را به عنوان میانجی بپذیرد. ارتش زاپاتیستا اخطار کرده بود که هرگونه پیشنهادی جز از طریق اسقف ساموئل روئیز پذیرفته نخواهد شد. مبارزه ۲۴ ساله اسقف روئیز در دفاع از حقوق بومیان چیپاس، اعتماد دهقانان به او و خشم محافل دولتی مکزیک و نیز بخش های فوقانی کلیسای کاتولیک را علیه او برانگیخته است. در اکتبر گذشته نماینده پاپ اعظم ژان پل دوم در مکزیک، اسقف روئیز را متهم به خلافکاری و نقض قوانین کلیسا کرده بود و از او خواسته بود که از مقام اسقفی استعفا کند. ولی در مقابل این خواسته اسقف اعلام کرد: «ما برای تعلیم آموزش های انجیل به واتیکان نیاز نداریم. انجیل مژده بخش آزادی است و نه اسارت».

ارتش آزادیبخش زاپاتیستا در بیانیه ای از دیگر اقوام بومی خواست که از آن حمایت کنند. در بیانیه زاپاتیستا گفته می شود: «بگذارید راه ها برای همه یکسان باشد، آزادی، دموکراسی و عدالت». در بیانیه ای که خطاب به گروه های بومی ایالت گورورو می باشد، آمده است: «ما را تنها نگذارید. نگذارید که ما در تنهایی بپیریم، اجازه ندهید که همه این ها پوچ شود».

اندونزی

مقامات رسمی اندونزی در ۱۴ بهمن تایید کردند که هزاران کارگر، به منظور تسریع اجرای قانون پرداخت حداقل دستمزد، در سراسر کشور دست به اعتصاب زده اند. اتحادیه های کارگری اندونزی با تاکید روی یک سری قوانین جدید که دولت اندونزی جهت حفظ امتیازات ویژه در روابط تجاری با ایالات متحده آمریکا، مجبور به اتخاذ آن ها

شده است، خواستار به رسمیت شناختن استقلال اتحادیه های کارگری از سوی دولت گردیده اند. در ماه گذشته دولت اندونزی قانونی را که به نیروهای مسلح اجازه می داد در اعتراضات کارگری مداخله کنند، ملغی کرد. در همین رابطه پرسنل نظامی در جریان قتل بانو مرسیئا، از فعالان اتحادیه های کارگری، مقصر شناخته شدند. مرسیئا در زد و خوردهای اعتصابیون در منطقه سرابایا با نیروهای نظامی به قتل رسیده بود. دولت اندونزی همچنین اقداماتی را به منظور رفرم در ساختار تنها اتحادیه کارگری رسمی، اتحادیه سراسری کارگران اندونزی، که تحت کنترل دولت است شروع کرده است. اقدامات اعتراضی اخیر در اندونزی از طرف اتحادیه اس. ب. اس. آی سازمان داده شده اند. بیش از ۲۰۰۰ کارگر مجتمع تولید کنفش و محصولات نساجی که در اعتصاب بسر می بردند در ۱۲ و ۱۳ بهمن مورد حمله نیروهای انتظامی قرار گرفته اند. در زمان تهیه این گزارش، بیش از ۱۸۵ اعتصاب اکثر شهر های اصلی اندونزی را فراگرفته است. وزیر کار، عبداللطیف کارفرمایان را در ناآرامی های اخیر روز ۱۲ بهمن مقصر دانست و دوباره تاکید کرد که اگر کمپانی ها از پرداخت حداقل دستمزد خودداری کنند، مورد تعقیب قانونی قرار خواهند گرفت. او همچنین اخطار کرد که اعتصاب ها به تخریب اقتصاد کشور منجر خواهند شد. اتحادیه کارگران اس. ب. اس. آی. اظهار امیدواری کرده است که یک میلیون کارگر در روز ۲۲ بهمن به اعتصاب یک ساعته به پیوندند.

بنگلادش

«جمعیت عوامی» بنگلادش در روز ۱۳ بهمن خواستار حمایت بین المللی از کارزار اعتراضی اش علیه کشتار ۶ تن از طرفداران سران این جمعیت گردید. «جمعیت عوامی» عنوان کرده است که پس از شکست حزب حاکم، حزب ملی بنگلادش، در انتخابات محلی اخیر، نیروهای وابسته به دولت به مناطقی که نمایندگان حزب ملی در آنجا شکست خورده بودند، حمله کرده و مردم را مورد ضرب و شتم قرار داده اند. دکتر سلیم از اعضای رهبری «جمعیت عوامی» گفت: «مردم دو شهر عمده، منجمله داکا، نظر خود را علیه بی کفایتی دولت بکم خالده ضیاء داده اند». وی اظهار امیدواری کرد که دولت نتایج انتخابات را بی درنگ بپذیرد. شاخه «جمعیت عوامی» در انگلیس در بیانیه ای اظهار داشته است که ۱۲ ساعت پس از تعطیل مراکز رای گیری و اعلام نتایج، اعضای حزب ملی بنگلادش به آن هایی که به حزب حاکم رای نداده بودند، حمله کردند. «در نتیجه این حملات ۷ نفر در مناطق مختلف داکا کشته شده و ۲۰ نفر زخمی گردیدند. ما خواستار محکومیت شدید این کشتارها هستیم. ما معتقدیم که خالده ضیاء در دستکاری و تقلب در نتایج انتخابات از رئیس جمهور پیشین، ژنرال ارشاد، پیشی گرفته است». بیانیه صادر شده از سوی شاخه «جمعیت عوامی» اضافه می کند که نتیجه رای مردم داکا باید محترم شمرده شود و خواستار شده است که نخست وزیر از مانع کار کمیسیون انتخابات نشود.

استان خراسان به تنهایی با کمبود ۹۰ هزار واحد مسکونی روبرو است!

آمارهایی که در مورد وضعیت زندگی مردم در سایه حکومت «حامی مستضعفان»، اینجا و آنجا در مطبوعات کشور بازتاب پیدا می کنند گاه به حدی تکان دهنده و اسفبار اند که با وجود نبود هیچ نکته تازه در آن ها، باز نمی توان از کنار آن بی تفاوت گذشت. یک نمونه چشمگیر از این گونه آمارها، ارقام مطرح شده از سوی مسئولان کشور در مورد وضعیت اسفبار مسکن در استان خراسان است.

نشریه «کار و کارگر»، در شماره ۲۹ دی ماه سال جاری خود، بدون این که حتی نام «مدیر اجرایی سازمان ملی زمین و مسکن منطقه شمال شرق کشور» را ذکر کند، از قول وی می نویسد: «... خراسان در حال حاضر با کمبود ۹۰ هزار واحد مسکونی روبرو است که ۵۰ هزار واحد آن مربوط به مشهد می باشد» و ادامه می دهد: «این مشکلات در حالی است که پیش بینی می شود جمعیت تنها شهر مشهد در سال ۱۳۹۵ به پنج میلیون و ۸۰۰ هزار نفر برسد».

با اینکه این ارقام به خودی خود به اندازه کافی تکان دهنده هستند، ابهام فاجعه بار قضیه زمانی روشن می شوند که به دیگر گفته های «مدیر اجرایی سازمان ملی زمین و مسکن...» نیز توجه کنیم. طبق گفته او، «طی برنامه پنجساله اول، ۲۲ هزار واحد مسکونی... در خراسان احداث شده که ۹۲ درصد از سوی بخش

خصوصی و مابقی بوسیله دستگاه های دولتی صورت گرفته است.»

بر اساس این ارقام، و با توجه به نرخ لاک پشتی تولید مسکن که دولت جمهوری اسلامی نیز در آن کمترین نقشی نداشته، تنها برای جبران کمبود موجود، مردم زحمتکش خراسان می بایست ۲۰ سال دیگر صبر کنند، آن هم در صورتی که قادر باشند جلوی افزایش جمعیت را در استان خود بگیرند.

از این جالب تر، این گفته جناب «مدیر اجرایی...» است که برای لاپوشانی کردن کم کاری های دولت، مدعی می شود «بر اساس برنامه ریزی های به عمل آمده، در برنامه دوم پنجساله، ۸۰ هزار واحد مسکونی در خراسان احداث خواهد شد که از این تعداد ۳۴ هزار واحد آن متعلق به شهر مشهد خواهد بود». باید از این جناب پرسید: دولتی که سهمش در تولید ۲۲ هزار واحد مسکونی در طول پنج سال گذشته، کمتر از دو هزار واحد بوده، تولید «۸۰ هزار» واحد تازه در طول پنج سال آینده را چگونه «برنامه ریزی» کرده است؟!

خالی بودن یک چنین ادعایی در مورد بهبود وضعیت مسکن مردم خراسان در طول برنامه پنجساله دوم زمانی روشن می شود که به برخی ارقام مطرح شده از سوی یکی دیگر از مسئولان مسکن این استان توجه کنیم. طبق گفته مهندس

محمدرضا حیدری، یکی از مسئولان «بنیاد مسکن انقلاب اسلامی خراسان»، حدود ۳۰ هزار مسکن طی سال گذشته و اوایل امسال در خراسان به سبب بارندگی تخریب شده است که بازسازی آنها نیاز به هزینه های سنگین دارد. و این در حالی است که به گفته او: «بانکها نیز به دلیل کم سود بودن بخش مسکن و زمان طولانی برگشت سرمایه آن، راغب به اعطای تسهیلات و سرمایه گذاری در این بخش نمی باشند».

بدین ترتیب با یک حساب ساده روشن می شود که در حالیکه در طول پنج سال گذشته، هر سال حدود ۳۰ هزار واحد مسکونی به دلایل گوناگون از جمله خسارات طبیعی، در خراسان از میان رفته اند، به همت دولت «حامی مستضعفان» و بخش خصوصی «فداکار» حامی آن هر سال به طور متوسط تنها حدود ۴۱۰۰ واحد مسکونی در این استان ساخته شده است. به عبارت دیگر، مردم خراسان هر سال نسبت به سال گذشته حدود ۲۵ هزار واحد مسکونی از دست داده اند!

سردمداران رژیم همواره مدعی بوده اند که سختی های زندگی در جمهوری اسلامی برای «آزمون» مردم نازل می شوند. این طور که به نظر می رسد «آزمون» مردم خراسان نه تنها تمام شدنی نیست، بلکه ظاهراً قرار است به کمک مسئولان رژیم، سال به سال دشوار تر نیز بشود.

اخبار زحمتکشان

افزایش شاخص بهای عمده فروشی کالاها

طبق گزارش اداره آمار اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی، متوسط شاخص بهای عمده فروشی کالاها در ایران طی هشت ماه اول سال ۱۳۷۲، نسبت به دوره مشابه در سال گذشته، ۲۳ درصد بالا رفته است. بالاترین نرخ افزایش بها در بخش مواد خوراکی و متعلق به سبزی های تازه بوده که نسبت به سال گذشته ۲۸/۲ درصد افزایش نشان داده است. این ارقام با اینکه به خودی خود گویای نرخ بالایی از تورم هستند، اما به گفته بسیاری از کارگران و مسئولان سازمان های کارگری، هنوز نرخ واقعی تورم را بازتاب نمی دهند. طبق گفته یکی از این مسئولان، «... بانک مرکزی آماري که در خصوص افزایش نرخ تورم... ارایه نموده است، ۵۰ تا ۷۵ درصد با واقعیات مغایر بوده است. مثلاً بانک مرکزی نرخ تورم را در سال ۷۲، ۲۵ درصد پیش بینی کرده بود در حالی که قیمت ها در بازار تا ۱۰۰ درصد افزایش را نشان می دهند».

تشکیل شوراهای اسلامی کار در ۳۲ واحد تولیدی

به نظر می رسد که اعتراضات گسترده کارگران به جلوگیری از تشکیل شوراهای اسلامی کار در واحدهای تولیدی، در برخی نقاط کشور با موفقیت همراه بوده است. در روز ۲۰ دی ماه سال جاری، نیکپور، مسئول ستاد مرکزی انتخابات شوراهای اسلامی کار اداره کل کار و امور اجتماعی شهرستان قزوین، اعلام کرد که در طول چهار ماه گذشته، در ۳۲ واحد تولیدی در شهر صنعتی البرز و قزوین شوراهای اسلامی کار تشکیل و اعضای آن ها «با رای مستقیم کارگران» انتخاب شده اند. وی ضمن بر شمردن نام این واحدها، اظهار امیدواری کرد که به زودی شوراهای اسلامی کار در واحدهای فاقد شورای این شهرستان تشکیل خواهند شد. در ماه های اخیر، برنامه های تعدیل نیروی کار و واردات بی رویه کالاهاى خارجی از سوی رژیم به رو در رویی فزاینده شوراهای اسلامی کار با دولت رفسنجانی و فشار دولت بر این شوراها انجامیده است.

سرکوب، گلوله و گشتار ...

انتشار خبرهایی درباره ویرانی یکی از مساجد اهل تسنن در مشهد بوده است. بر اساس همین گزارش مردم خشمناک زاهدان روز سه شنبه ۱۲ بهمن (آغاز «دهه فجر») در مسجد بزرگ «مکی» زاهدان (واقع در خیابان خیام) گردآمده و از مقامات دولتی خواهان توضیح درباره این شایعه شدند. با پورش اعتراض کنندگان به ادارات دولتی و ویران کردن آذین بندیهای «دهه فجر» و به آتش کشیده شدن پرچم جمهوری اسلامی نیروهای انتظامی وارد عمل شدند و تظاهرات بزرگ مردم زاهدان را بیرحمانه به خون کشیدند. در پی ادامه زدوخوردها که بر اساس برخی گزارش ها ۶ ساعت بطول انجامید، رژیم اقدام به اعزام نیروهای کمکی و آماده کردن شرایط برای یک سرکوب همه جانبه و خونین نمود. وسعت درگیری مردم و سرکوب خونین رژیم در چند روز گذشته آنچنان بوده است که حتی بازار مرکزی شهر زاهدان در روز شنبه شانزدهم بهمن به محل زدو خورد خونین پاسداران و افراد مسلح بلوچ بدل گردید و این زدوخوردها ساعت ها به طول انجامید. گزارش های متعدد دیگری از زدوخوردهای خونین و اعتصاب ها در شهرهای دیگر استان بلوچستان، از جمله ایرانشهر، نیک شهر و ... نیز بدست ما رسیده است.

مقامات امنیتی جمهوری اسلامی و رسانه های گروهی رژیم، مانند روزنامه «کیهان»، در

چند روز اخیر تلاش کرده اند تا حوادث بلوچستان، را توطئه بیگانگان و عوامل "ضد انقلاب" قلمداد کند. روزنامه «کیهان» حتی مقامات عربستان سعودی را به دست داشتن در حوادث بلوچستان متهم کرد و مدعی شد که عربستان از طریق گروههای افغانی وابسته به خود سلاح و پول در اختیار «اشرار، راهزنان و قاچاقچیان ایرانی فعال در بلوچستان» گذاشته است. وزارت کشور جمهوری اسلامی نیز در اطلاعیه ای که بدین مناسبت انتشار داد تأیید کرد که تظاهرات وسیعی در بلوچستان علیه دولت برگزار شده است و تظاهر کنندگان پرچم های جمهوری اسلامی را از سر در ادارات و نیز از خیابان های زاهدان، که به مناسبت نیمه شعبان و پانزدهمین سالگرد انقلاب نصب شده بود، پائین کشیده و آتش زدند. "دبیرخانه شورای امنیت کشور" نیز در اطلاعیه ای مدعی شد: "عده ای از عناصری که در جریان اقدامات امنیتی نیروهای جمهوری اسلامی در مرزهای شرقی کشور منافع خود را از دست رفته می دیدند روز سه شنبه در یکی از خیابان های زاهدان اقدام به تجمع و شکستن شیشه های بعضی اماکن و ... از جمله وسائط نقلیه نیروهای انتظامی، نمودند..."

بی شک در شرایط سانسور کامل رژیم و گزارش های ضد و نقیضی که از این رویدادها به خارج انعکاس می یابد، بسیار مشکل است که پیرامون این حوادث اظهار نظر قطعی کرد ولی روشن این است که با تشدید بحران اجتماعی - اقتصادی، کشور ما در آستانه برخوردها و حوادث بیشتری قرار گرفته است. اوضاع رویه

و خامت اقتصادی، ورشکستگی کامل دولت، تشدید گرانی، فقر، بی قانونی و حکومت ترور زمینه های اصلی بسط و گسترش اعتراض های توده ای علیه حکومت جمهوری اسلامی است. رژیم هراسناک از گسترش این اعتراض ها به سایر استان ها و خصوصاً تهران در روزهای گذشته مانورهای وسیع امنیتی را در تهران، به قصد ارعاب مردم برگزار کرده است و همه این شواهد از آماده شدن رژیم برای تشدید جو سرکوب و اختناق برای خاموش کردن هرگونه صدای مخالفی حکایت دارد.

حزب توده ایران، ضمن ابراز انزجار شدید از اعمال جنایتکارانه رژیم جمهوری اسلامی علیه مردم ستمدیده بلوچستان، همه نیروهای سیاسی و آزادیخواه کشور را فرا می خواند تا متحد و یکپارچه علیه این جنایات اعتراض کنند. حزب ما محافل بین المللی، از جمله سازمان ملل متحد را فرا می خواند تا ضمن محکوم کردن این اعمال همه امکانات خود را برای متوقف ساختن این جنایات بکار گیرد. نباید اجازه داد تا مزدوران مسلح رژیم بی سرو صدا بتوانند بار دیگر به قتل عام مردم جان به لب رسیده دست بزنند. سران جنایتکار جمهوری اسلامی خوب می دانند که دوران حکومت ضد مردمی آنان به انتهای خود نزدیک می شود و دور نیست آن روزی که مردم ما بتوانند برای همیشه به نظام استبدادی "ولایت فقیه" پایان داده و راه را برای استقرار آزادی و دموکراسی در میهن ما بکشایند.

جمهوری اسلامی پانزده ...

سرکوب خشن و خونین هرگونه صدای مخالفی و شکنجه و گشتار مخالفان، که سرکوب خونین اعتراض های مردم بلوچستان در روزهای اخیر، آخرین نمونه آن می باشد، تا آزار و اذیت زنان به بهانه "رعایت نکردن حجاب اسلامی" تا ایجاد مزاحمت روزانه برای مردم و مهمتر از همه حاکمیت کامل بی قانونی و نا امنی نیز فشار های مضاعفی را بر جامعه ما تحمیل کرده است. بی جهت نیست که بر اساس گزارش های سالیانه و مداوم کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، جمهوری اسلامی هرساله یکی از سیاه کارترین و جنایتکارترین حکومت های استبدادی در جهان شناخته شده و به این سبب محکوم گردیده است. کوتاه سخن پانزده سال پس از گذشت انقلاب عظیم بهمن، کارنامه کسانیکه رهبری این انقلاب را بدست گرفتند و آن را چنین به قربانگاه

بردند، می توان در خیانت بزرگ تاریخی و جنایت کم سابقه خلاصه کرد. کمتر دورانی را در تاریخ معاصر کشوری می توان یافت که این همه فداکاری و تلاش ملتی این چنین به نابودی و فنا کشیده شده باشد.

امروز پانزده سال پس از انقلاب ناکام بهمن، جامعه ما باردیگر به یک تحول بنیادین، به یک انقلاب فراگیر اجتماعی که بتواند عرصه های گوناگون زندگی مردم ما را دگرگون کند، نیازمند است. امروز نیز مانند پانزده سال پیش هیئت حاکمه مهمترین سد تکامل جامعه ما به سمت پیشرفت و دستیابی به آزادی است، و هرگونه تحول جدی و اساسی تنها با برداشتن این سد امکان پذیر است. حزب ما در این شرایط بسیار حساس و تاریخی و با ارزیابی همه جانبه شرایط عینی و ذهنی جامعه، باردیگر همه نیروهای مترقی و آزادیخواه کشور را فرا می خواند تا با کنار گذاشتن پیشداوری های گذشته و

اختلافات گردهم آمده و شرایط ضرور را برای ایجاد یک جبهه وسیع برای سازماندهی مبارزه سراسری خلق فراهم آورند. حزب ما با پیشنهاد "منشور آزادی" که تبلور روشن و صریح خواست اکثریت مردم کشور ما برای دستیابی به دموکراسی و آزادی است، امیدوار است که بتوان اینبار با تکیه بر درس های تلخ شکست انقلاب بهمن، جبهه وسیعی از نیروهای میهن دوست و آزادیخواه را برای نجات میهن از شرایط بسیار بحرانی و حساس کنونی ایجاد کرد. نباید گذاشت یکبار دیگر به دلیل خودخواهی ها، خود بزرگ بینی ها و ... تجربه تلخ انقلاب تکرار گردد و فرصت طلبان و مدعیان دروغین خلق، باردیگر فاجعه دیگری را برای سال ها به میهن ما تحمیل کنند.

*** **

حزب کمونیست فرانسه وفادار به ایده آل های کمونیستی

ملی کمونیست های عضو پارلمان و شوراهای شهری و منطقه ای می باشد. رفیق هیو در کنگره قبلی حزب، دو سال قبل، به هیئت سیاسی انتخاب شده بود.

وی در اولین اظهار نظرهای خود پس از انتخاب، اعلام کرد: «ما می خواهیم که بازتر و بردبارتر باشیم و می خواهیم که در داخل حزب، دموکراسی قانون باشد... ما تصمیم گرفته ایم که تمامی عادات کهنه مان را که با عملکرد دموکراتیک همخوانی نداشتند، کنار بگذاریم». علی رغم این تغییرات و این که رهبری جدید از تمامی جریان های موجود در حزب خواستار همکاری و مبارزه متحد شد، برخی نمایندگان شناخته شده خواستار تحولات سوسیال دموکراسی، نظیر چارلز فیتزمن، از عضویت هیئت ملی کناره گرفتند.

از اولین اقدامات رهبری منتخب کنگره تصمیم گیری در مورد نحوه و سطح همکاری با دیگر نیروهای چپ و به ویژه حزب سوسیالیست می باشد. رابرت هیو در اشاره ای به اعاده دوباره «برنامه مشترک» چپ، اعلام کرد که: «ما به تحلیل سالیان قبل ادامه خواهیم داد ولی نمی خواهیم چیزی را که شکست خورده است دوباره تجربه کنیم و یا توهماتی را دامن بزنیم که قابل انجام نیستند». در ماه آینده کنفرانسی با عنوان «تغییر جامعه» از سوی حزب سوسیالیست فرانسه برگزار می شود. یک هیئت نمایندگی از سوی حزب کمونیست به رهبری آندرا لاجوینی، کاندیدای حزب در انتخابات ریاست جمهوری پیشین، در این کنفرانس شرکت خواهد کرد. رفیق رابرت هیو گفت: «ما طرفدار تغییر جامعه هستیم و کاملاً آماده ایم که در باره آن به بحث بنشینیم».

سخنرانی خود تایید کرد که حزب کمونیست فرانسه از کنگره خود در سال ۱۹۷۶، زمانی که حزب مفهوم «دیکتاتوری پرولتاریا» را رد کرد. در حال تحلیل رفتن بوده است. «این ۱۸ سال، تغییرات فاحش و عمده و تجربیات تلخ بوده است که بر نفوذ ایده های ما و حزب ما مانند بار سنگینی فشار می آورده است». مارشله توصیه کرد که حزب اصل تشکیلاتی «مرکزیت دموکراتیک» را کنار بگذارد ولی او اضافه کرد که انتقاد از اشتباهات گذشته به خودی خود به اصلاح حزب کمک نمی کند. او با تبدیل حزب کمونیست فرانسه به یک حزب سوسیال دموکرات، نظیر همای ایتالیایی اش، مخالفت کرد و گفت: «حزب کمونیست طراز جدید، نباید کمتر کمونیست باشد. من به کلی مخالف این چنین ایده ای هستم».

از سخنان ژرژ مارشله چشم انداز این که حزب کمونیست فرانسه متعاقب شکست سخت حزب سوسیالیست در انتخابات ماه مارس گذشته، بتواند روند زوال را متوقف کند و در مقابل، دوباره در جریان مبارزه علیه سیاست های محافظه کارانه ادوارد بالادور قدرت بگیرد، کاملاً عیان بود. او گفت: «ایده های تغییر هنوز از این که در شرایط کنونی مورد استقبال اکثریت بشوند، خیلی دور هستند. ولی آن ها برای یک دوره طولانی در حال عقب نشینی بوده اند، جنبش شروع به معکوس کردن جهت نموده است».

همان طوری که در خلال بحث های تدارکاتی کنگره و اسناد حزبی مشخص بود، کنگره به آخرین توصیه ژرژ مارشله در مورد کنار گذاردن اصل تشکیلاتی مرکزیت دموکراتیک پاسخ مثبت داد. در عمل در سومین روز کنگره از ۱۵۸۱ نماینده صاحب رای فقط ۲۲ نماینده علیه قطعنامه کنار گذاشتن اصل مرکزیت دموکراتیک رای دادند و ۲۲ نماینده دیگر رای ممتنع دادند. کنگره در ادامه خود تصمیم گرفت که در همخوانی با تصمیم فوق الذکر پست دبیر کلی در حزب ملتی شود و پست دبیر ملی حزب جایگزین آن شود و در همین راستا کمیته مرکزی به کمیته ملی و هیئت سیاسی به هیئت ملی تبدیل گردیدند. متعاقب تصویب اسناد سیاسی - تشکیلاتی، کنگره کمیته ملی حزب را انتخاب نمود. در اولین جلسه کمیته ملی روز ۹ بهمن ماه، رفیق رابرت هیو به عنوان دبیر ملی انتخاب گردید. او ۴۷ سال دارد و پرهیزدنت جامعه

۲۸ - مین کنگره حزب کمونیست فرانسه در روزهای ۵ الی ۹ بهمن ماه در سنت اوون در حومه پاریس با حضور بیش از ۲۰۰۰ نماینده و ناظر برگزار گردید. این کنگره به جهت مفاد دستور کار خود و از جمله تجدید نظر در اصول تشکیلاتی و سازماندهی حزب و نیز بازنشستگی ژرژ مارشله، رهبر قدیمی و مشهور حزب از سمت دبیر کلی از اهمیت بسزایی برخوردار بود. در سالهای اخیر بحث های گسترده ای در مورد مباحث پایه ای مارکسیسم در حزب کمونیست فرانسه در جریان بوده است. برخی از رهبران با نفوذ حزب خواستار تغییراتی بوده اند که نهایتاً منجر به تغییر ماهیت مارکسیستی حزب و تبدیل آن به یک نیروی سوسیال - دموکرات چپ، نظیر آن چه در ایتالیا بوقوع پیوست، می گردید.

در خلال بحث های پیش از کنگره و در درون کنگره واضح بود که جمعی از فعالان حزبی تنها راه نفوذ در میان توده ها و کسب جذابیت انتخاباتی را پایان دادن به پیروی حزب از اصول پایه ای مارکسیسم می دانستند. آن ها براین اساس که از سال ۱۹۷۶ به بعد سهم حزب در انتخابات از ۲۰٪ آرای عمومی به حدود ۹٪ رسیده است، تنها راه چاره را رد مارکسیسم - لنینیسم و هویت کمونیستی حزب می دانستند. در مقابل این بحث به میان گذاشته می شد که یک دلیل تقلیل آرای حزب را باید در تغییرات ساختاری جامعه، بافت صنعتی و دگرگونی ترکیب و وضعیت صنایع فرانسه جستجو کرد. از سال های دهه ۱۹۷۰ تاکنون، پروسه زدودن پایه های صنعتی فرانسه، تعطیل بخش قابل توجهی از صنایع سنگین فولاد و ذغال سنگ، عملاً به معنی ناپدید شدن مناطقی از فرانسه بوده است که حزب کمونیست در آنجا قدرتمندترین نیروی سیاسی بود. همچنین روشن است که بحث های تند سالیان اخیر در مورد تاریخچه حزب و جنبش کمونیستی و یا مباحث تئوریک در مورد لنینیسم و نیز اختلاف برداشت در مورد ماهیت تحولات در اتحاد شوروی سابق و اروپای شرقی خود به نوعی در محدود شدن جذابیت انتخاباتی حزب موثر بوده است.

ژرژ مارشله، رهبر ۷۲ ساله حزب، در روز دوم کنگره در سخنرانی خود به مناسبت اعلام رسمی بازنشستگی از مقام دبیر کلی حزب، به نمایندگان حاضر در کنگره گفت که گرچه تغییرات فاحش در جهان بهای سنگینی را به حزب تحمیل کرده است، به شرط این که حزب از ایده های کمونیستی خود جدا نشود، روزهای بهتری در پیش است. رفیق مارشله در

کمک مالی

به حزب توده ایران

یک و شصت و شش تومانی است!

کمک مالی رسیده:

مجید ۵۰۰ مازک

NAMEH MARDOM

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

Address : Postfach 100644 , 10566 Berlin , Germany

NO ; 421

Februar 15 , 1994

نامه

مردم